دکتر جعفر ساعد، جرم‌شناس و استاد دانشگاه در گفت‌وگو با «جوان»:

لایحه قانونی مربوط به مجازات اسیدپاشی نیازمند اصلاح است

گفت‌وگو
فاطمه تورانی

عوامل مختلفی برای بروز یک عمل مجرمانه وجود دارد. جرائم بنا به نوع، شیوه، انگیزه و پیامدهایی که بعد از بروز آن در جامعه به جا می‌گذارند مورد توجه قرار می‌گیرند. جرم اسیدپاشی بیشتر به علت آثار دلخراشی است که برای قربانی حادثه دارد و فضای روانی جامعه را هم متأثر از بروز حادثه می‌کند. نظر به اهمیت موضوع گفت‌وگوی ما با دکتر جعفر ساعد، جرم‌شناس و استاد دانشگاه در ادامه می‌آید.

مجرمان برای رسیدن به اهداف خود از ابزار متفاوتی استفاده می‌کنند. چه عاملی سبب می‌شود که آنها دست به اسید ببرند؟

استفاده از اسید برای مرتکبان آسان‌تر از بهره گرفتن از اسلحه و چاقو است. اثر انگشت مرتکب در جریان حادثه بجا نمی‌ماند و همین امر احتمال قانونگریزی وی را افزایش می‌دهد. اگرچه یکی از انگیزه‌ها در بروز این جرم انتقام است، اما همیشه اینگونه نیست و انگیزه‌ها مانند جرائم دیگر می‌تواند گوناگون باشد. بنابراین این طرز تلقی که اسیدپاشی با انگیزه انتقام صورت می‌گیرد، واجد اشکال است. چنین ذهنیتی محصول بهره‌گیری مجرمان اسیدپاش در موارد ناموسی و عشقی است که در جامعه ما غلبه دارد. این غلبه باعث شده است که چنین تصوری ایجاد گردد. هیچ بعید نیست که اسیدپاشی نه به انگیزه انتقام یا انگیزه ناموسی بلکه در راستای اغراض سیاسی یا دینی انجام شود، بنابراین انگیزه‌ها متنوع و علل ارتکاب آن نیز متعددند.

ریشه این خشونت از چه نشئت می‌گیرد؟ آیا سابقه روانی مرتکبین هم در بروز این جرم تأثیر دارد؟

گاه از واکنش عاطفی شخص که می‌تواند ریشه شخصیتی داشته باشد و گاه عدم درک مقوله قانونمداری. گاه در اثر فقر مرتکب است که ابزار دست دیگران شده و با دریافت مبلغی یا خدمتی یا امتیازی دست به این کار می‌زند و گاه فقر در کنار برخی دیگر از اوضاع و احوال موجبات روی آوری به جرم در معنایی عام و جرم اسیدپاشی در معنایی خاص می‌شود. برخی از شهروندان در مواجهه با یک واقعه کنترل خود را از دست داده و بدون تمرکز عقلانی، با احساس و حرف دل، تصمیم می‌گیرند و به ناگاه واکنشی عاطفی و احساسی نسبت به آن واقعه از خود بروز می‌دهند و تبدیل به مجرمی احساسی و هیجانی می‌شوند. در واقع ما در ادبیات جرم‌شناسی از «وضعیت‌هایی پیش جنایی» یاد می‌کنیم که «اندیشه به فعل مجرمانه» را در کوتاه‌ترین زمان عملی می‌سازد. وانگهی، برخی از شهروندان به درستی واقف بر این واقعیت نیستند که عضوی از جامعه هستند و باید در این فرایند اجتماعی از قواعد اخلاقی و قانونی پیروی کنند. این مسئله ریشه در ضعف فرهنگ‌سازی قانونی دارد که به درستی قواعد لازمه در فرایند اجتماعی به شهروندان آموخته و به درستی خبررسانی نمی‌شود. صرفاً به مقوله «جهل به قانون رافع مسئولیت نیست» اکتفا می‌شود و با درج قواعد مندرج در قوانین از رهگذر روزنامه رسمی کفایت خبررسانی اعلام می‌گردد و بس. حال آنکه در جامعه ما که واجد فرهنگی سنتی است و در حال گذار، انتظار روند فرهنگ مردم سالار عصر جدید چندان قابل دفاع نمی‌باشد.

موضوع بیشتر پرونده‌های اسیدپاشی در کشورمان روابط عشقی است که این نشان می‌دهد وقتی طرف در رسیدن به فرد مورد علاقه‌اش ناکام می‌ماند تصمیم می‌گیرد برای گرفتن انتقام روی صورت او اسید بپاشد. این موضوع را چگونه بازکاوی می‌کنید؟

همواره گفته‌اند که فاصله میان عشق و نفرت، فاصله‌ای بسیار کوتاه است. در نتیجه آنجا که عاشق خودخواه، از رسیدن به احساس ذهنی و روانی‌اش ناامید می‌شود روی دیگر این سکه غالب می‌شود و نفرت سرتاپای وی را دربرمی‌گیرد. اما در این وضعیت چرا عاشق ناکام از میان جرائم گوناگون بعضاً اسیدپاشی را برمی‌گزیند. معمولاً مرتکب اسیدپاشی در انتخاب اسید برای گرفتن انتقام، نظر به «صورت» قربانی خود دارد. به نظر می‌رسد این مسئله از این واقعیت ناشی می‌شود که زنان با چهره و صورت است که جذابیت زنانگی خود را نمایان می‌سازند و در نظر اول این سیمای اوست که خواستگار یا مردان را به خود جذب می‌نماید. در نتیجه، تنها سلاح یا ابزار یافتن همسر یا دوست برای زن، چهره اوست و در نتیجه عاشق ناکام، رقیب عشقی مجنون حال یا شخص مزدور و امثال آن که حسب مورد می‌توانند مرد یا زن باشند، صورت این قربانی را نشانه می‌روند تا قربانی درمانده را به اصطلاح خلع سلاح کرده و او را هم از این نعمت محروم سازند و هم به خواسته روانی خویش دست یابند و هم از تعلق یافتن زن به دیگری برای همیشه جلوگیری کنند. گویی اینکه این باور احتمالی را عملی می‌سازند که «چون قربانی برای او نمی‌شود، پس نباید از آن هیچ کس دیگری شود.»

چرا زنان بیشتر قربانیان اسیدپاشی هستند؟

ویژگی خاصی وجود ندارد. شاید به این دلیل است که پشت کردن به عشق بیشتر از ناحیه زنان است که صورت می‌گیرد و اگر مردان در این واقعه پشت کنند زنان به واسطه وضعیت فرهنگی ترجیح می‌دهند که بر این مسئله مهر سکوت بگذارند تا حیثیت خویش را به خطر نیندازند و آینده خود را نیز تیره و تار نکنند. اما برعکس، مردان در این واقعه با جار زدن به دنبال تحقق خواسته خود هستند و فرهنگ غالب بر جامعه ما نیز نسبت به مردان و زنان واکنشی واحد ندارد. برای زنان، سکوت را به واسطه ضرورت عفت‌مداری توصیه می‌کند و در این خصوص، مردان را از هر گونه اقدامی نهی نمی‌کند. اینگونه است که میزان قربانیان زن زیاد به چشم می‌خورد.

کسی که قربانی اسیدپاشی می‌شود مسلماً دچار جراحات عمیق و حتی غیرقابل درمان می‌شود. با اینکه دیه این افراد با دیه یک انسان برابر است اما تا به حال کسی که مرتکب این جرم شده این مقدار را پرداخت نکرده یا اینکه از سوی قربانی بخشیده می‌شود پس تا به حال قصاصی هم در رسیدگی به این پرونده‌ها انجام نشده است. این در حالی است که ممکن است پزشکی قانونی هم تشخیص بدهد جان متهم با قصاص به خطر می‌افتد از طرفی هیچ نهادی هم از فردی که دچار آسیب شده حمایتی نمی‌کند. لذا بدیهی‌ترین ابزار بازدارنده این جرم مجازات است در حالی که قربانیان اسیدپاشی به جهانی تاریک پرتاب می‌شوند. به نظر جنابعالی آیا این مجازات فعلی برای عاملان آن بازدارنده است یا اینکه در این قانون مجازات خلأ وجود دارد؟

به جایی تاریک پرتاب نمی‌شوند. اگر دیه دریافت نمی‌کنند یا ناشی از اعلام رضایت خود آنان است یا اینکه مرتکب توان پرداخت ندارد و در این وضعیت قربانی نیز در اثر رفت و آمدهای مکرر در پیچ و خم‌های مراجع قضایی احساس خستگی کرده و سرانجام از دریافت کل دیه استحقاقی خود صرفنظر کرده و با دریافت هر میزان از آن می‌خواهد خود را از این پروسه دراز مدت و خسته‌کننده برهاند. به علاوه، قانون در این زمینه خلأ ندارد اگرچه لازم است که لایحه قانونی مربوط به مجازات اسیدپاشی بازنگری شود و در مجازات مقرر برای آن بازبینی صورت گیرد. اگر قصاص در عمل امکانپذیر نمی‌شود به علت این است که باید در قصاص، برابری میزان خسارت رعایت گردد اما هیچ معیاری برای رعایت این برابری نیست و هیچ تضمینی هم وجود ندارد که قصاص صورت گرفته به میزان خسارت وارده به بزه دیده باشد یا بیشتر یا کمتر. اینگونه است که برای جلوگیری از مشکلی دیگر ترجیح داده می‌شود که قصاص انجام نشود. از نظر اینکه نهادی حامی قربانیان وجود ندارد مسئله درست است. تحت پوشش قراردادن قربانیان این پدیده شوم و استمرار این حمایت، نیازمند استمرار کمک‌رسانی است که در خصوص نهادهای مردم‌بنیاد کاملاً مسئله‌ای احتمالی است و نمی‌توان به قطع و یقین فردای آن را به تصویر کشید. ایراد آسیب جسمانی و بعضاً ذهنی- روانی فقط مخصوص جرم اسیدپاشی نیست و چه بسا تعدادی از دیگر جرائم علیه اشخاص نیز آسیب‌های جسمانی و ذهنی- روانی به بار آورند و قربانیان آن را مواجه با مشکلاتی نظیر اسیدپاشی کنند. لذا شکل‌گیری نهادی دولتی برای حمایت از قربانیان اسیدپاشی توقع ایجاد نهادی مشابه برای حمایت از قربانیان برخی دیگر از جرائم علیه اشخاص را مطرح می‌کند و لذا تشکیل این نهادهای حمایتی برای دولت امکانپذیر نیست. با این حال به نظر نمی‌رسد که حمایت مالی دولت از نهادهای مردم بنیاد در این زمینه - درصورت شکل‌گیری- امکانپذیر نباشد.

از نظر موازین قانونی، باید پذیرفت که لایحه قانونی مربوط به مجازات اسیدپاشی مصوب ۱۳۳۷ برای امروز ما کارگر نبوده و نیازمند اصلاح است. کیفرهای مقرر در این قانون پاسخگوی نیازمندی‌های جامعه ما نیست و به قدر کافی بازدارندگی شخصی و جمعی نداشته و ضرورت دارد در آن تجدیدنظر صورت گیرد.

برای برون رفت از این مشکل و آسیب چه راهکارهایی را ارائه می‌دهید؟

باید فرهنگ‌سازی کرد. آموزش قانونمداری؛ قانونمداری از رهگذر درک درست قانون و نه از رهگذر ترس از قانون به واسطه ضمانت اجراهایی که دارد. برای این مسئله نیازمند آموزش و تربیت شهروندان در چارچوب پیشگیری اجتماعی هستیم. اگر دولت نهادی برای حمایت از قربانیان اسیدپاشی یا جرائم خشونت‌آمیز تأسیس نمی‌کند دست‌کم وظیفه دارد که در امر آموزش هزینه کند و به شهروندان بیاموزد. این آموزش‌ها، بنیادی است و از اوان کودکی باید آغاز شود و آموزش و پرورش در این زمینه می‌تواند نقش کلیدی داشته باشد. تا زمانی که شهروندان ما قانون را به خاطر خود قانون رعایت نمی‌کنند بلکه صرفاً بر مبنای ضمانت اجراهایی که مقرر نموده آن را رعایت می‌کنیم نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که میزان جرائم کاهش یابد.

پسرجوان برای قهرمان‌سازی خود ۲نفر از دوستانش را اجیر کرده بود

فردین بازی برای عشق پوشالی

پسری که برای جلب توجه دختر مورد علاقه‌اش نقشه اسیدپاشی به روی خودش را طراحی و اجرا کرده بود، همراه دو همدستش بازداشت شد.

به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۱۷ عصر روز دوشنبه سوم آذر ماه رهگذرانی که در حال عبور از خیابان نیروی هوایی بودند متوجه فریاد کمک‌خواهی دختر و پسری شدند که از سوی دو سرنشین یک موتور هدف اسیدپاشی قرار گرفته بودند.

یکی از رهگذران که پسر بسیجی بود به سرعت راه موتورسواران سد کرد. راننده موتور تعادلش را از دست داد و روی زمین افتاد. رهگذران لحظاتی بعد یکی از موتورسواران را دستگیر کردند اما پسر دیگر موفق به فرار شد. مردم در گام بعدی به کمک پسر و دختر جوان شتافتند و متوجه شدند که مردان موتورسوار به طرف آنها اسید پاشیده‌اند اما اسید فقط لباس‌های پسر جوان را سوزانده است. لحظاتی بعد بود که مأموران کلانتری ۱۲۸ تهران نو در محل حادثه حاضر شدند و مرد اسیدپاش را به همراه سعید و دختر جوان به کلانتری منتقل کردند.

دختر جوان گفت: من دانشجو هستم. مدتی قبل سعید از من خواستگاری کرد اما من به او جواب رد دادم تا اینکه امروز او با من قرار گذاشت تا درباره پیشنهادش دوباره با من حرف بزند. هنوز لحظاتی از آمدنش نگذشته بود که دو پسر موتورسوار مزاحم شدند و بعد هم به طرف ما اسید پاشیدند.

■ اقرار به اسیدپاشی

متهم که حسین نام دارد در بازجویی‌ها گفت: من و دوستم – کامران – که فرار کرد از دوستان نزدیک سعید هستیم. سعید برای اینکه دل دختر مورد علاقه‌اش را به دست آورد این نقشه را طراحی کرد. وی ادامه داد: چند روز قبل سعید به سراغ من و کامران آمد و گفت به دختر دانشجویی علاقه‌مند است و قصد دارد با او ازدواج کند اما دختر جوان به پیشنهادش جواب رد داده است. او از ما خواست در روز حادثه وقتی با دختر جوان قرار ملاقات گذاشت به طرف آنها اسید بپاشیم به طوری که به آنها برخورد نکند تا او مانند قهرمان فیلم‌های سینمایی خودش را سپر دختر مورد علاقه‌اش کند و بتواند از این طریق دل او را به دست آورد. پس از این ما هم پیشنهاد دوستمان را قبول کردیم و تصمیم گرفتیم به او کمک کنیم تا به دختر مورد علاقه‌اش برسد.

■ اقرار پسر عاشق پیشه

سعید نیز وقتی فهمید دستش رو شده در بازجویی‌ها گفت: مدتی است به دختر جوانی علاقه‌مند هستم و به او پیشنهاد ازدواج دادم اما به خاطر ادامه تحصیلش با پیشنهاد من مخالفت کرد و حتی قبول نکرد با هم ارتباط تلفنی داشته باشیم. من به او خیلی علاقه‌مند بودم به طوریکه نمی‌توانستم او را فراموش کنم. خیلی تلاش کردم تا پیشنهادم را قبول کند اما هر بار جواب نه شنیدم تا اینکه این نقشه را طراحی کردم و خواستم مانند قهرمانان فیلم سینمایی از خودگذشتگی نشان دهم و دل دختر موردعلاقه‌ام را به دست آورم اما دستم رو شد. وی ادامه داد: یک روز قبل از حادثه مقداری اسید از مرکز شهر خریدم و به دوستانم دادم. طبق قرار روز حادثه آنها لحظاتی قبل از من ابتدا مزاحم او شدند تا اینکه من از راه رسیدم و با آنها درگیر شدم. بعد از این آنها با موتورسیکلت از محل دور شدند اما دوباره برگشتند و به طرف ما اسید پاشیدند که من جلوی دختر جوان ایستادم تا اسیدها به من بپاشد. مقداری اسید به پشتم ریخته شد اما چون خودم نقشه را طراحی کرده بودم قبل از آن تعدادی لباس‌های ضخیم پوشیده بودم و باعث شد اسید به بدنم نرسد. پس از این مأموران پلیس به دستور قاضی مدیرروستا بازپرس دادسرای جنایی پایتخت متهم فراری را در مخفیگاهش در حوالی میدان خراسان دستگیر کردند. سرهنگ عباسعلی محمدیان رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ با اشاره به برخی خبرها و شایعات مطرح شده در خصوص وقوع اسیدپاشی در مناطق مختلف شهر تهران نیز اظهار داشت: خوشبختانه در طول پنج ماه گذشته هیچ‌گونه وقوع اسیدپاشی در سطح شهر تهران وجود نداشته است.

صبح دیروز قاضی مدیرروستا بازپرس دادسرای جنایی سه متهم را مورد بازجویی قرار داد و متهمان به جرم خود اقرار کردند. متهمان با صدور قرار قانونی روانه زندان شدند.

پناهگاه زیرزمینی پزشک باسابقه برای سقط جنین‌های غیرقانونی

پزشک باسابقه‌ای که متهم است با دایر کردن مرکز زیرزمینی دست به سقط جنین غیرقانونی می‌زد، بازداشت شد.

به گزارش خبرنگار ما، چندی قبل مرد جوانی به دادسرای امورجنایی تهران رفت و از همسرش به اتهام سرقت و سقط غیرقانونی جنین شکایت کرد. وی گفت: من کارمند یکی از ادارات دولتی هستم. به خاطر اینکه خانواده‌ام در کار خرید و فروش طلا هستند، به عنوان شغل دوم در کار طلا فعالیت می‌کنم. چند روز قبل مقداری طلا خریدم و به خانه آوردم اما امروز متوجه شدم طلاها سرقت شده است. وقتی تحقیق کردم متوجه شدم دزد طلا کسی جز همسرم نیست. وی ادامه داد: چند ماه قبل همسرم در حالی که هفت ماهه باردار بود ناگهان حالش بدشد و او را در بیمارستان کسری بستری کردم. پزشکان هم بعد از معاینه گفتند طفل فوت شده است. معاینات بعدی پزشکان نشان داد که فوت نوزاد در شکم همسرم عمدی بوده به همین خاطر شروع به تحقیق کردم و فهمیدم که همسرم از مدتی قبل به مطب یک جراح عمومی رفت و آمد دارد و با کمک او نوزاد را سقط کرده است. با طرح این شکایت، پرونده به دستور قاضی عموزاد بازپرس شعبه چهارم دادسرای ناحیه ۳۴ در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت. مأموران در نخستین شاخه از تحقیقات دریافتند پزشک ۸۵ ساله‌ای که متخصص جراح عمومی است در طبقه پایین مطبش مرکز زیرزمینی برای سقط جنین دایر کرده است. تحقیقات بعدی نشان داد زنان زیادی برای سقط جنین به مرکز غیرقانونی پزشک جراح مراجعه می‌کنند و پزشک متخلف هر روز با انجام ۳ تا ۵ سقط میلیون‌ها تومان به جیب می‌زند. همچنین معلوم شد مشتریان پزشک که از سوی افراد مشخصی به وی معرفی می‌شوند مبلغ‌هایی بین ۳ تا ۷ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان برای سقط جنین پرداخت می‌کنند. یکی از افراد مطلع به پلیس گفت: وی معمولاً با تزریق آمپول ابتدا جنین را در شکم مادر می‌کشد و در مرحله بعدی با استفاده از عمل جراحی یا به روش عادی جنین را از شکم خارج و دفن می‌کند. وی ادامه داد: دستمزد سقط جنین بستگی به سن جنین دارد و متغیر است به طوری که هرچه جنین عمر بیشتری داشته باشد دستمزد آن بالاتر است. پزشک جراح معمولا برای سقط جنین هفت تا هشت ماهه ابتدا ۲ میلیون تومان برای تزریق آمپول دریافت می‌کند و در مرحله بعد ۴ میلیون تومان برای عمل جراحی و خارج کردن جنین و در مرحله آخر ۵۰۰ هزار تومان برای دفن نوزاد دستمز می‌گیرد. سرانجام مأموران پلیس با انجام تحقیقات تخصصی و به دست آوردن مدارک و اسناد به دستور قاضی عموزاد صبح دوشنبه ۳آذر ماه پزشک متخلف را در حالی که سه زن در نوبت سقط جنین بودند در مرکز زیرزمینی‌اش دستگیر کردند. متهم در بازجویی‌ها با اعتراف به سقط جنین گفت: من ۶۰ سال است که به عنوان پزشک متخصص جراح عمومی در تهران فعالیت می‌کنم. چندین سال قبل بیمارستان کوچکی را در تهران اداره می‌کردم تا اینکه بیمارستان جمع شد و فعالیت‌های پزشکی‌ام را در مطبم پیگیری کردم. وی مدعی شد: زنان زیادی در مطب به من مراجعه می‌کنند که قصد دارند جنین داخل شکمشان را سقط کنند. معمولاً این افراد ابتدا خودسرانه با خوردن قرص دست به سقط می‌زنند و وقتی با مشکلی روبه‌رو می‌شوند به من مراجعه می‌کنند و من هم طبق وظیفه پزشکی‌ام به آنها کمک می‌کنم تا راحت‌تر جنین را سقط کنند. تعدادی زن مشتریان را به من معرفی می‌کنند و همچنین زنانی که پیش من سقط انجام داده‌اند نیز افرادی را برای این کار معرفی می‌کنند. در حالی که پزشک جراحی مدعی است زنانی که با خوردن دارو با مشکل روبه‌رو می‌شوند به او مراجعه می‌کنند اما تحقیقات و گفته مشتریان نشان داد پزشک متخلف خودش برای سقط جنین دارو تجویز می‌کند و حتی وی مشتریانی داشته است که نوزاد هفت و هشت ماهه آنها را با تزریق آمپول که باعث خفگی نوزاد می‌شود، سقط کرده است. متهم بعد از تشکیل پرونده به دستور قاضی عموزاد برای تحقیقات بیشتر در اختیار دادسرای جرائم پزشکی قرار گرفت.

انفجار گاز در شهریار با ۲ کشته

حادثه انفجار ساختمان مسکونی در شهرستان قدس دو کشته و هفت مجروح بر جای گذاشت.

رئیس سازمان آتش‌نشانی شهرستان قدس گفت: پنج نفر از مجروحان سرپایی مداوا شدند و دو نفر دیگر به دلیل شدت جراحات به بیمارستان منتقل شده‌اند که حالشان وخیم گزارش شده است. وی افزود: رعایت نکردن اصول ایمنی در استفاده از گاز شهری و تجمع آن در داخل ساختمان احتمال اصلی این حادثه است. در اثر این انفجار برخی ساختمان‌های اطراف تا ۵۰ درصد آسیب دیده‌اند.

مرگ مرد جوان در سیلاب

وقوع سیلاب در شهرستان رودسر جان مرد ۳۵ ساله را گرفت.

در این حادثه که عصر دیروز اتفاق افتاد مردی ۳۵ ساله هنگام عبور از پل آبنمای ماچیان رودسر بر اثر سیلاب به داخل رودخانه‌ها افتاد و جانش را از دست داد. منصور سعادت‌نژاد بخشدار رحیم‌آباد رودسر به واحد مرکزی خبر گفت: هنوز جسد این مرد پیدا نشده است.

طلاق به خاطر زندگی در بالای شهر

زن جوان وقتی دید که شوهرش در بالای شهر برایش خانه نمی‌خرد، تصمیم گرفت از او جدا شود.

به گزارش باشگاه خبرنگاران، چندی پیش زوج جوانی با مراجعه به دادگاه خانواده درخواست طلاق توافقی دادند. زن جوان در خصوص علت آن به قاضی گفت: شوهرم قول داده بود که در بالای شهر خانه بخرد. او زمانیکه یک خانه در جنوب شهر خرید به من قول داد که وقتی صاحب فرزند شدیم حتماً محله‌مان را عوض می‌کند و در بالای شهر خانه می‌خرد تا فرزندمان بتواند در یک محیط خوب بزرگ شود. وی ادامه داد: اما حالا پسرمان دو ساله شده ولی او قصد ندارد خانه‌مان را عوض کند. من دوست ندارم پسرم در این محله بزرگ شود و می‌خواهم در یک محیط خوب تربیت شود و به مدرسه برود. ولی شوهرم اصلاً متوجه این موضوع نیست و زیر قولش زده است. دعوای ما سر این موضوع آنقدر زیاد شد که تصمیم گرفتیم از هم جدا شویم. در این لحظه مرد جوان نیز به قاضی گفت: درست است که من قول دادم در یک محله خوب خانه بخرم اما پول آن را ندارم. همسرم به من زور می‌گوید. برای همین بهتر است از هم جدا شویم. من دیگر نمی‌خواهم با او زندگی کنم، چون او اصلاً مرا درک نمی‌کند.

در پایان قاضی تصمیم‌گیری در خصوص این پرونده را به آینده موکول کرد.

فرار دزد فرصت‌طلب با کیف زن جویای کار

پلیس در تعقیب مرد کلاهبرداری است که به بهانه استخدام منشی از طریق آگهی روزنامه، از زنان جوان سرقت می‌کند.

به گزارش خبرنگار ما، اواخر آبان‌ماه زن جوانی وارد کلانتری ۱۰۴ فلسطین شد و به مأموران گفت: مدتی بود که دنبال کار می‌گشتم تا اینکه چند روز پیش در روزنامه یک آگهی دیدم که به دنبال منشی برای دفتر وکالت در میدان امام خمینی بودند. با شماره تلفنی که درج شده بود تماس گرفتم و درباره شرایط کار پرسیدم و به توافق رسیدیم. مردی که تلفن را جواب داده بود گفت قبل از اینکه به دفتر بروم باید لباس فرم تهیه کنم به خاطر همین به بهانه خرید لباس فرم با شخصی که تصور می‌کردم باید برایش کار کنم قرار گذاشتم تا با هم برای خرید لباس برویم. وارد یکی از مانتوفروشی‌های هفت‌تیر شدیم. وقتی می‌خواستم به داخل اتاق پرو بروم از من خواست کیف دستی‌ام را برایم نگه دارد. من هم کیف را به او دادم اما همینکه از اتاق پرو بیرون آمدم، دیدم غیبش زده است. شاکی گفت: هر چه داخل خیابان را گشتم او را ندیدم تازه متوجه شدم که کیفم را دزدیده است. داخل کیفم مقداری پول، چند تکه طلا، گوشی و مدارک شناسایی‌ام بود. کارآگاهان پایگاه سوم پلیس آگاهی که از سوی قاضی مأمور رسیدگی به پرونده شده بودند به مغازه مانتوفروشی رفتند و در بررسی تصاویر دوربین‌های مداربسته تصویر متهم را شناسایی کردند. از آنجا که کارآگاهان موفق به شناسایی متهم نشده‌اند، کسانی که از مخفیگاه متهم باخبر هستند می‌توانند اطلاعات خود را در اختیار کارآگاهان پایگاه سوم پلیس آگاهی تهران قرار دهند.

آگهی مزایده اموال غیر منقول (اسناد ذمه) م‌الف: ۱۶۷

به موجب پرونده اجرائی کلاسه ۹۳۰۰۰۴۲/۹۳۰۰۰۵۲ و ۹۳۰۰۰۴۶/۹۳۰۰۰۴۲ ششدانگ یک قطعه زمین محصور پلاک ۹۱۳ اصلی به مساحت ۱۶۵ متر مربع واقع در مروست بخش ۵۴ یزد به آدرس: مروست خیابان شهید بهشتی تقاطع کوچه مدرسه زینب محدود به حدود شمالاً: به طول ۱۸/۷۰ متر به دیوار پلاک ۶۴۹ اصلی شرقاً به طول ۸/۹۵ متر به دیوار پلاک ۶۴۹ اصلی جنوباً به طول ۱۸/۵ متر جای درب و دیواریست به پیاده رو خیابان غرباً به طول ۸/۸۰ متر دیواریست به کوچه که سند آن در صفحه ۵۳۶ دفتر ۸ املاک با شماره چاپی ۹۶۴۱۰۲ ب ۹۱ بنام آقای موسی پورقنبری مروست ثبت و صادر شده است. طبق نظر کارشناس رسمی به مبلغ ۷۰۱/۲۵۰/۰۰۰ ریال (هفتصد و یک میلیون و دویست و پنجاه هزار ریال) ارزیابی شده و پلاک فوق از ساعت ۹ الی ۱۲ روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۳/۹/۲۳ در اداره ثبت اسناد و املاک مروست واقع در خیابان مصلی از طریق مزایده به فروش می‌رسد. مزایده از مبلغ ۷۰۱/۲۵۰/۰۰۰ ریال شروع و به بالاترین قیمت پیشنهادی نقداً فروخته می‌شود. لازم به ذکر است پرداخت بدهی‌های مربوط به آب، برق، گاز اعم از حق انشعاب و یا حق اشتراک و مصرف در صورتی که مورد مزایده دارای آنها باشد و نیز بدهی‌های مالیاتی و عوارض شهرداری و غیره تا تاریخ مزایده اعم از اینکه رقم قطعی آن معلوم شده یا نشده باشد به عهده برنده مزایده است و نیز درصورت وجود مازاد وجوه پرداختی بابت هزینه‌های فوق از محل مازاد به برنده مزایده مسترد خواهد شد و نیم عشر و حق مزایده نقداً وصول می‌گردد. ضمناً چنانچه روز مزایده تعطیل رسمی گردد، مزایده روز اداری بعد از تعطیلی در همان ساعت و مکان مقرر برگزار خواهد شد.

مسئول واحد اجرای اسناد رسمی مروست – برزگر